

هزینه‌های زندگی پایین بود، مغازه دارها هم به فکر به دست آوردن سود آن چنانی و زیاد کردن قیمت جنس‌های شان نبودند. من خودم زمانی که مغازه اجاره ای داشتم، ماهی ۴۵ تومان اجاره می‌دادم و درآمد روزانه ام هم بین ۸ تا ۱۰ تومان بود. از ۷ صبح تا ۸ شب هم کاری می‌کردیم و زندگی شادی داشتیم. نه نگران فردا بودیم و نه حرص مال دنیا را می‌خوردیم.»

بعد از اسپند دود کردن، آبگوشت را بار می‌گذاشتم

حرف خاطره که پیش می‌آید، از برنامه هر روزش در گذشته می‌گوید: «هر روز ساعت هفت صبح سرکار می‌رفتم و اولین کاری که می‌کردم این بود که نیم کیلو گوشت می‌خریدم؛ بعد از اینکه اسپند دود می‌کردم، گوشت را برای خودم و سه شاگردم بار می‌گذاشتم. دیزی سنگی داشتم که گوشت و سیب‌زمینی و نخود را داخل آن می‌ریختم و کنار کوره می‌گذاشتم تا با حرارت کوره بپزد. غذا که آماده می‌شد، بوی آن تمام محله را بر می‌داشت.»

که نامناسب بودن مکانش باعث نگرانی مردم شده بود.»

بین کسبه و مردم اعتماد زیادی وجود داشت

ادامه حرفش را درباره «قهوه خانه عرب» از سر می‌گیرد و می‌گوید: «صاحب این قهوه خانه، مردی عرب بود که قهوه خانه بزرگش، به پاتوق ارادل و اوباش تبدیل شده بود. خلافکاران برای قمار بازی و خرید و فروش اجناس دزدی و کارهای خلاف دیگر به این قهوه خانه می‌آمدند؛ به همین خاطر برای محله، بدنامی آورده بود، اما امروز دیگر همه چیز تغییر کرده و شرایط مساعد شده است.»

آقامحمد حسین هنوز از روابط قدیم کسبه و مردم، و از اعتماد زیادی که بین آن‌ها وجود داشت، گفتنی‌ها و خاطرات خوبی دارد: «مردم قدیم به کسبه اعتماد زیادی داشتند و آن‌ها را در بسیاری از مسائل، امین خود می‌دانستند. کاسب‌ها هم به خدا توکل می‌کردند و در معاملاتشان منصف بودند. چون

با آمدن ظروف مختلف به بازار، کارگاه‌ها را تعطیل کردم

باتوجه به اینکه حالا مردم به ندرت ظروف مسی می‌خرند، کارش کمی تغییر کرده است: «قبلا کارگاهی در محله سیدی داشتم که همه سفارش‌ها را آن‌جا می‌ساختم و بعد هم دست مشتری می‌دادم. کار رونق داشت و زمانی ۵ کارگر و شاگرد داشتم؛ اما بعد که ظروف جدید آمد، کارگاه را جمع کردم. حالا هم برای اینکه مغازه ام بچرخد، ظروف مختلف را از بازار می‌خرم و اینجا به مردم می‌فروشم؛ البته خرید و فروش صنایع مس و ظروف کوچک مسی را هم انجام می‌دهم.»

صفر تاصد ساخت ظروف مسی

در مورد روش تهیه ظروف مسی از آقامحمد حسین می‌پرسیم که می‌گوید: «ظروف مسی با استفاده از ورق مس و روش چکش کاری گرم و سرد ساخته می‌شود. ابتدا ورق مسی را برای درست کردن ظروف به اندازه‌های مختلف برش داده و بعد با ابزارهای مختلف، آن را روی سندان حالت می‌دهند؛ بعد جاهایی را که به هم وصل می‌شوند، برش می‌دهند و آن را به وسیله تنه کار، با حرارت به هم جوش می‌دهند. ظرف‌های آماده شده را با اسید می‌شویند و آن را چرخشی حرارت می‌دهند. موقع چرخش، پنبه را به کمی پودر لحیم، آغشته می‌کنند و به قسمت‌های مختلف مس می‌زنند تا رنگ آن سیاه شود. وقتی مس سیاه شد با پنبه، قلع را به بدنه آن می‌مالند. بعد از تمام شدن این مرحله، ظرف را در آب خنک فرو می‌کنند. چون پودر لحیم سمی است، برای تمیز کردن ظروف مسی از گل استفاده می‌کنند.»

دیروز محله این قدر پررفت و آمد نبود

۴۲ سال است که در محله چمن زندگی می‌کند و شهروندی قدیمی به حساب می‌آید؛ برای همین است که از دیروز و امروز محله گفتنی‌های زیادی دارد: «اوایل به این منطقه، خیابان «فرمان» می‌گفتند. بعد هم نامش، «بیست متری مصلی» شد و در حال حاضر هم اسمش را «چمن» گذاشته‌اند. قبلا این همه خانه و مغازه در این محله نبود. وسایل نقلیه به ندرت دیده می‌شد و رفت و آمدها هم کمتر بود، اما حالا که هرکسی یک ماشین برای خودش دارد، اینجا شلوغ و پررفت و آمده شده.»

کاسب قدیمی محله چمن در ادامه می‌گوید: «از چهارراه مصلی به بعد، همه باغ بود و از بولوار مصلی مسیر باریکی برای رفتن به کشتارگاه «محمدآباد» وجود داشت. چهارراه آخر چمن هم به «قهوه خانه عرب» معروف بود

۴۲ سال است که در محله چمن، مسگری می‌کند اما از حدود ۲۰ سال پیش، با ورود ظروف تفلون به بازار، ظروف مسی به تدریج از دور خارج شد و کار او نیز از سکه افتاد. مادر بزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها هنوز وسایل قدیمی منزل خود را به یاد دارند. تقریباً تمام ظروف خانه از مس بود: قلیفت، تشت سفید، دیگ سفید، سرویس مس عروسی، سینی، پارچ، آفتابه، دیگ کوچک و بزرگ و تشت حمام.... گذر زمان، جهیزیه عروس خانم‌ها را پر از ظروف جدید کرد؛ آقامحمد حسین با اشاره به این موضوع می‌گوید: «مردم در گذشته هر ظرف و ظروفی می‌خواستند، به سراغ مسگرهای می‌رفتند. به همین خاطر، شغل ما درآمد خوبی داشت و از حرفه‌های خوب به حساب می‌آمد.»

جاهای مختلفی شاگردی کردم

از ۱۶ سالگی که همراه با خانواده اش از تربت حیدریه به مشهد می‌آید تا زمانی که خودش صاحب مغازه می‌شود، در جاهای مختلفی شاگردی می‌کند و برای خودش استاد کار می‌شود: «چون شغل پدرم در تربت حیدریه مسگری بود، با زیر و بم کار آشنایی داشتم. شغل ما آن زمان در جه یک بود. شاگردی را در مغازه‌ای در «کوچه هشت متری» در خیابان طبرسی شروع کردم. بعد هم در «گاراژ ایران بنز» که در فلکه حضرت بود، مشغول به کار شدم. تجربه‌های دیگرم کار کردن در خیابان مصلی و خیابان سرخس بود که در مغازه دیگران کار می‌کردم.» اومی‌گوید: «البته استاد اصلی من پدرم بود و من اصل کار را پیش ایشان یاد گرفتم.»

همزمان با خرید مغازه، پدرم فوت کرد

جوان مسگر در ۲۳ سالگی موفق می‌شود با تلاش و دست رنج خودش مغازه‌ای بخرد و بی‌دغدغه هزینه اجاره، کارش را ادامه دهد: «پدرم در مشهد مغازه نداشت. سال ۵۲ بود که من در بیست متری چمن، مغازه‌ای را اجاره کردم تا در کنار پدرم، کارمان را شروع کنیم. همان سال سربازی رفتم و یک سال بعدش هم با پس اندازی که جمع کرده بودم، همین مغازه فعلی را خریدم.»

بعد از مغازه دار شدن، در سرش نقشه‌ها و فکرهای زیادی بوده که می‌خواست همراه با پدرش آن‌ها را عملی کند، اما در خدمت سربازی خبر فوت پدرش را دریافت می‌کند و دست‌تنهایی ماند: «سال ۵۴ که دوران خدمتم تمام شد، در همین مغازه به تنهایی و از صفر کار را شروع کردم.»



قبلا کارگاهی در محله سیدی داشتم که همه سفارش‌ها را آن‌جا می‌ساختم و بعد هم دست مشتری می‌دادم. کارم رونق داشت و زمانی ۵ کارگر و شاگرد داشتم؛ اما بعد که ظروف جدید آمد، کارگاه را جمع کردم

را به انجام می‌رساند. می‌خواهم بگویم چون هیچ تأکیدی برای این کار نیست، مسئولان نداشتن مکان را بهانه می‌کنند؛ در صورتی که اگر تأکیدی بر اجرای پروژه‌ای وجود داشته باشد، شهرداری از هر راهی که بشود آن را اجرا خواهد کرد. امیدوارم مسئولان رده بالا ببینند و وضعیت اینجا را از نزدیک ببینند؛ آن وقت حتماً بر احداث پارکینگ در این نقطه حساس شهر تأکید خواهند کرد.»

محدوده در اولویت قرار دهد.» رحیمی با اشاره به پیگیری‌های خود از شهرداری ادامه می‌دهد: «مسئولان از نبود جا برای ساخت پارکینگ صحبت می‌کنند ولی اگر بخواهند می‌توانند مکانی را در همین جا خریداری کرده و پارکینگ احداث کنند.» این کاسب قدیمی می‌گوید: «اگر طرحی از سوی ارگان‌های بالا ارائه شود که مربوط به شهرداری باشد، شهرداری هر طور شده با تملک و یا تفاهم‌نامه، آن

باعث می‌شود تخلیه بار به تأخیر بیفتد و ترافیک تشدید شود.»

بهانه نداشتن ملک

کاسب دیگری با بیان اینکه نبود پارکینگ در مشهد بی‌داد می‌کند، یادآور می‌شود: «متأسفانه مشکل کمبود و یا نبود پارکینگ، به خصوص در محل‌های تجاری‌ای همچون مصلی مسائل فراوانی را به همراه دارد. لازم است شهرداری ساخت پارکینگ را در این

«بیشتر رانندگان از ترس اینکه در حاشیه خیابان جریمه شوند، خودرویشان را به داخل کوچه‌ها می‌برند که این خود مشکلات دیگری به وجود می‌آورد. پارک خودرو جلوی منازل شخصی، پنچری و راه‌انداز بخشی از این مشکلات است.»

یکی دیگر از کاسبان نیز در این رابطه می‌گوید: «در روزهایی که قرار است تخلیه بار انجام دهیم، به دلیل پارک خودروهای شخصی با مشکل روبه‌رو می‌شویم. این موضوع خود